

روز بهشت

این دلم مست و خراب است ریش نکنید
صوت مطرب زبرش، ناله و بانگ جرس است
گرچه گفته است که دور است ز ایمان و خدا
نه وضو داشت، نه در وقت نماز تکبیر
او زفته است به کعبه و طوافی ننمود
همه شب تا به سحر در پی معبودش بود
چونکه در عالم آخر برود سوی بهشت
در سحرگاه چو خوانند همه احکام
چون ثوابی ننمود است در ایام حیات
هرچه گفتیم همه از وهم و خیال خرد است

در پی جام شراب است، خارش نکنید
جز بدین صوت دگر هیچ صدایش نکنید
همچو یک ملحد کافر که نگاهش نکنید
بی وضو در صف اول که نمازش نکنید
بهر یک سنگ یه باز فدایش نکنید
در شب اول رفتن چو سواش نکنید
رو بگویید بیاید و جواش نکنید
این دل غم زده را باز بدارش نکنید
در ازل نیز نگاهی به گناهِش نکنید
دل او پاک و سفید است سیاهش نکنید